تفاوت احکام لحظه، روز و شب اول ماه

قبلاً گفتم یک احکامی هست که برای «لحظات» ماه است. یک احکامی است که برای «شب» ماه است. یک احکامی هست که برای «روز» ماه است. صوم حکمی برای روز است و کاری به لحظات ندارد. از طلوع تا غروب است. شما باید آن را منظم کنید و برای آن موضوع پیدا کنید. روز هم برای حرکت وضعی زمین است. پس چراهای ندارید که در آن قطعه زمانی شهر، قطعه روز پیدا کنید که بگویید آن را روزه بگیرید. تطبیق، لامحاله هست، ولی چون موضوع حکم روز است، شما باید همان را بیاورید. اما فرض بگیرید یک احکامی باشد که تنها مربوط به لحظات است.

شاگرد: دعا عند رویه الهلال

شاگرد۲: غلت مرده الشیاطین.

استاد: بله، حضرت فرمودند «اذا اهل هلال شهر رمضان غُلّتْ مَرَدَةُ الشیاطین». شما ماه مبارک را بعد از ظهر دیدید، ارتکاز شما چیست؟ این است که هنوز شیاطین مغلول نشده‌اند؟ صبر می‌کنیم تا غروب شود؟ آدم از این عبارت چه می‌فهمد؟ غلت برای لحظات ماه است. نه برای شب یا روز. برای شهر و لحظات شهر است. چرا؟ چون مغلولیت که قید شب و روز ندارد. وقتی قید شب و روز ندارد، غلت. هلال که طالع شد، غلت.

یکی دیگر هم این است: حضرت می‌فرمایند وقتی هلال ماه را دیدی، لاتشیروا الیه اصابع. ارتکاز متشرعه در اینجا چیست؟ الآن هلال ماه مبارک را ساعت دو بعد از ظهر دیدند. می‌گویند حال که هنوز ماه مبارک نیست. صبر کنید، غروب که شد «لاتشیروا الیه بالاصابع». ارتکاز متشرعه چیست؟ اگر «لاتشیروا» برای هلال است و در بند شب و روز نیست، حکمش هم در بند حلول شب نیست. اینها مطالبی است که خیلی قابل تأمل و فکر است؛ در اینکه این خط‌کش‌های زمانی احکام مناسب خودشان را دارند. کل این خط‌کش به‌عنوان لحظات یک احکام دارد. این همان حرف مرحوم آقای خوئی است. من مکرر عرض کردم. اصل حرف ایشان قابل مناقشه نیست. لذا ایشان اولی که در اسئله شروع کردند، حاج آقای سیستانی این را رد نکردند. ما هم قبول داریم که خروج قمر ازتحت الشعاع، یک لحظه است. چند لحظه که نیست. کل کره زمین هم شب باشد یا روز باشد، در یک لحظه زمانی است. مثل تحویل شمس به برج حمل است. لحظه تحویل معلوم است. ربطی هم به کره زمین و بقاع آن و شب و روز ندارد. خب اگر به این صورت است، ایشان هم پذیرفته‌اند.

اما این چیزی که مسلم است را وقتی بخواهیم ادامه بحث را جلو ببریم، سنگین می‌شود. چرا سنگین می‌شود؟ چون بدء شهر را با این خط‌کشی که اضافی دارد، چه کار کنیم؟ شب و روز را که حساب کنیم. بخشی از ماه قبلی را به ماه بعدی بدهیم؟ کما اینکه مرحوم آقای خوئی دادند. اشتراک در شب به چه معنا است؟ یعنی برای ما که اصلاً هلال ندانستیم، سرشب ما برای ماه شعبان بوده. ایشان می‌گویند خب باشد، این تکه ماه شعبانی که در قم برای شما ماه شعبان بوده، چون با اسپانیا در شب شریک هستید، به ماه مبارک بدهید. یعنی بگویید امشب شب اول

ماه مبارک است. خب چه کار کردند؟ این یک جور ترسیم است. می‌گویند چون خط‌کش‌ها روی هم نیستند این قسمت زیادی را به‌خاطر اشتراک در شب به ماه بعدی بده‌دی. این یک راه است. راه‌های دیگری هم هست. لذا در اسئله گفتند که چرا این راه را بروی‌م؟! به جای اینکه این راه را بروی‌م، چون دارای اشکالاتی است و بی‌نظمی پیش می‌آید، همان راه مسلمین را می‌روی‌م و می‌گوی‌م اگر بخواه‌ی‌م این خط‌کش‌ها را جور کنی‌م، هر وقت دیدی از همان لحظه غروب حساب کنید. قبل و بعد از آن را کنار بگذاری‌د. چون لحظه غروب است، بنابراین لحظات بعدی آن حساب نمی‌شود. یعنی به ماه قبلی ملحق می‌شود. هم شروع ماه و هم محاسبه آن، لحظه غروب است.

> 39:03

پس مسأله تطبیق خط‌کش‌ها، تصورش و آثاری که بر آن بار می‌شود را تکرار کنید تا ملکه شود. در بین مباحثه گاه‌ی فرمایشاتی گفته می‌شود، می‌بینم آن نکته اصلی جاانگرفته است. یعنی ذهن ما در یک مشهدی از ملاحظه این سه تطبیق جا بگیرد که ناچاری‌م این زیادی را کاری کنی‌م. این ناچاری در نفس الامر چند گزینه دارد؟ اگر ما تنها یک گزینه را بگیری‌م و آن را منحصر بدانی‌م، در روایات سرگردان می‌شوی‌م و باید آن‌ها را به معارضه ختم کنی‌م. اما اگر آن گزینه‌ها روشن شود که چند گزینه ثبوتی هست، مطالب دیگری پیش می‌آید.

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 15:35:15 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 15:35:54 توسط ... .